آینه

اعتماد

تقدم منافع ملی بر منافع قومی

● مولوی عبدالحمید: اعتقاد داریم که منافع ملی مقدم بر منافع قومی و شخصی است. باید اول روی منافع کل مسلمانان فکر کنیم، بعد در ایران اسلامی روی منافع ملی ایران فکر کنیم و بعد برسیم به منافع اقوام و بعد مذاهب و بعد منطقه فکر کنیم. گاهی در جلسات مهم دولتی شرکت می‌کنم و گاهی به تهران می‌روم و گاهی هم در استان سفر می‌کنم؛ ولی به استان‌های دیگر نتوانسته‌ام سفر کنم. به‌خاطر همین مشکلاتی که احساس می‌شود که اگر برویم برخی به سرشان فشار می‌آید و نگران می‌شوند. در مملکت ما مقداری تحمل کم است و امیدواریم که شرایط بازتر بشود. بالاخره که به خیر ایران و عزت ایران فکر می‌کنیم. امیدواریم که مثل سایر مردم بتوانیم به‌راحتی به استان‌ها سفر کنیم و مردم را ببینیم. بالاخره ما طلبه مردمی هستیم و مردمی فکر می‌کنیم. منظور تبعیض در رابطه با واگذاری مسئولیت‌ها و استخدام‌هایی است که انجام می‌شود. استخدام‌ها در سطوح مختلف هم در ادارات دولتی هم در استان و هم در سطح کشور وجود دارد والا جمهوری اسلامی بین مردم ایران اعم از شیعه و سنی تفاوتی قائل نیست. کارهای عمرانی در مناطق مختلف انجام می‌شود و خدمات می‌رسانند و در این رابطه ما شکایتی از تبعیض نداریم. گلایه ما از استخدام است. اهل سنت را در بسیاری جاها استخدام نمی‌کنند. اگر هم استخدام می‌شوند جزئی است. با همه خوب هستیم و با کسی مشکلی نداریم. با سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و هم با سایر ارگان‌ها خوب هستیم. دستگاه قضائی از همه بیشتر چون بخشی از مسائل ما مشترک است. اینجا اختلافات قومی که ده‌ها کشته دارد، حل‌وفصل می‌شود و دستگاه قضائی خیلی از این مسئله راضی است. گاهی که مشکلی باشد ما را خبر می‌کنند و به‌جای اینکه مسئله با قوای قهری حل بشود، به‌صورت مردمی حل می‌شود.

کیهان

وقت امتیازگرفتن است، امتیاز ندهید

● فراموش نمی‌کنیم بلافاصله پس از نمایان‌شدن نشانه‌های افول داعش، فتنه «تجزیه کردستان عراق» با پرچم «اختلافات قومی» به اهتزاز درآمد که آن هم با سرعت محو شد. دیروز وقتی دادگاه فدرال عراق مهر «باطل شد» را روی پرونده «همه‌پرسی کردستان عراق» می‌زد، رئیس پارلمان اقلیم کردستان گفت بارزانی با این حماقتی که مرتکب شد، آنها را ۲۵ سال به عقب بازگرداند! توطئه تجزیه «کردستان» قرار بود مقدمه تجزیه کشورهای دیگر منطقه باشد... . توطئه دیگری از راه رسید با همان هدف؛ ماجراجویی‌های چند کشور مرتجع عربی علیه ایران و متحدانش. دو روز قبل، قاهره میزبان، یکی از ضدایرانی‌ترین نشست‌های اتحادیه عرب بود. وزرای خارجه کشورهایی مثل عربستان، بحرین، امارات و جیبوتی! با ادبیاتی بسیار تند حملات شدید و غلیظی به ایران کردند.

بهار

دلواپسان ۱۴۰۰

● تازه‌ترین نمونه از این نوع برخوردها با اسحاق جهانگیری در روزهای اخیر واکنش منفی یکی از مسئولان دفتر رهبری به انتقادات آقای معاون از طرح مسکن مهر بود. پرسشی که با کنار هم قراردادن این قطعات پازل می‌توان مطرح کرد این است که آیا افرادی از درون و بیرون از دولت به‌دنبال کنارگذاشتن جهانگیری هستند و در تلاش‌اند تا با چنین فشارهایی فضا را برای فعالیت او تنگ کرده و کار را به آنجا برسانند که آقای معاون عطای کار در دولت را به لقایش ببخشد؟ یا این ماجرا کمی پیچیده‌تر است و این جریان، دلواپس احتمال نامزدی جهانگیری در انتخابات ۱۴۰۰ است و به‌زعم خود می‌خواهد از همین الان که زمان زیادی تا آن روز باقی مانده این نامزد بالقوه جریان اصلاحات را حذف کند؟

آرمان امروز

ناطق پشت‌پرده فعال است

● **محمدرضا باهنر:** معتقدم که باید گفت‌وگوهای رسمی باید میان جریان‌های سیاسی برای ایجاد تفاهم آغاز شود، زیرا دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا نکات مشترک بسیاری با یکدیگر دارند، به‌همین‌دلیل نباید بر سر امور مشترک با یکدیگر دعوا کنند. اگر توسعه، سرمایه‌گذاری، اصلاح نظام بانکی، مبارزه با مفاسد اقتصادی و... را قبول داریم، چرا با یکدیگر مذاکره نکنیم؟ بسیاری از اصلاح‌طلبان از مفاسد اقتصادی رنج می‌برند، اصولگرایان نیز از فساد اقتصادی رنج می‌برند.

شهروند

مسکن مهر خودش زلزله بود

● آمار کشته‌های مسکن مهر سرپل ذهاب هنوز نامعلوم است، گفته می‌شود در این زلزله نزدیک به ۶۰۰ واحد از مسکن مهر آسیب جدی دیده‌اند و نزدیک به دوهزارو ۵۰۰ نفر آواره شده‌اند. همه اینها در حالی است که این شهر، ۸۰۰ واحد مسکن مهر داشت که ۲۰۰ واحد در قسمت شمالی شهر بود و در زلزله آسیبی ندید. ساخت این واحدها از سال ۸۹ شروع شد و سال ۹۲، اهالی در آن ساکن شدند، اما زمان افتتاح رسمی‌اش سال ۹۴ بود که گازکشی شد. اینها را مسئولان مسکن راه‌وشهرسازی کرمانشاه اعلام کرده‌اند.

politics@sharghdaily.ir

عکس: AFP

در گفت‌وگو با محمدعلی مهتدی، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه بررسی شد

آنچه در لبنان می‌گذرد

عربستان دچار اشتباهات محاسباتی در منطقه شده است

لیلا ابراهیمیان

۱۸ روز طول کشید تا سعد حریری به لبنان بازگردد. او روز سیزدهم آبان به پایتخت عربستان سعودی سفر کرد و در آنجا از سمت نخست‌وزیری استعفا داد؛ استعفایی که دخالت عربستان در آن نقش‌آفرین بود تا خواستِ خود او. مدت‌ها طول کشید تا او بتواند عربستان را به مقصد فرانسه ترک کند و قرار است روز چهارشنبه به بیروت بازگردد؛ می‌گویند پادرمیانی فرانسه و جامعه بین‌الملل در این بازگشت کم‌تأثیر نبود. البته علی‌اکبر ولایتی از «گروگان‌بودن خانواده سعد حریری در ریاض» می‌گوید. ازسویی با پرتاب موشکی از یمن به فرودگاه ریاض، عربستان انگشت اتهام به سمت ایران گرفت و برای همین نشست فوری وزرای خارجه اتحادیه عرب را در قاهره تشکیل داد. در سوی دیگر سوریه روزهای آرام‌تری در پیش دارد و بشار اسد منتظر پایان نشست «سوچی» است. دراین‌میان، خبر شکست داعش تحول مهم دیگری در شرایط منطقه است؛ حوادثی از تکه‌های پازل سیاست در خاورمیانه که نشان می‌دهد تهران دوراندیشی می‌کند و عربستان تنش‌آفرینی. محمدعلی مهتدی، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه، در گفت‌وگو با «شرق» از آنچه در لبنان می‌گذرد، و نقش عربستان در منطقه می‌گوید.

◣ سیزدهم‌آبان «سعد حریری» یک روز بعد از سفر علی‌اکبر ولایتی به لبنان، در ریاض استعفا داد؛ تحولات در لبنان به چه سمتی پیش می‌رود؟

ابتدا می‌خواهم تأکید کنم که هیچ ارتباطی بین سفر دکتر ولایتی و استعفای سعد حریری در ریاض وجود ندارد؛ وقتی مقامی یا هیئتی رسمی به لبنان سفر می‌کند، طبق پروتکل باید با سه مقام ارشد این کشور، میشل عون، رئیس‌جمهوری، نبیه بری، رئیس پارلمان و سعد حریری، نخست‌وزیر دیدار کند. بنابراین ملاقات دکتر ولایتی با حریری ملاقاتی در قالب این پروتکل بوده که خیلی هم دوستانه برگزار شده است. حریری از آنجایی‌که وابسته‌به عربستان‌سعودی است و مواضع او نسبت به مسائل منطقه‌ای مثل سوریه متفاوت از مواضع جمهوری اسلامی است، مشاور رهبری در امور بین‌الملل وقتی با او ملاقات می‌کند، این دیدار نشانگر این است که ایران به همه جوامع دینی و مذهبی در لبنان احترام می‌گذارد؛ اگر از مقاومت حمایت می‌کند به‌معنی حمایت از جامعه تشیع نیست بلکه به دولت لبنان هم احترام گذاشته و از دولت لبنان حمایت می‌کند.

◣ استعفای حریری روز بعد از پرتاب موشک از یمن به فرودگاه بین‌المللی ریاض، موجب موج جدیدی از اتهام‌زنی به تهران شد؛ شما هم‌زمانی این اتفاق را چگونه تبیین می‌کنید؟

مسائلی که بین لبنان و عربستان وجود دارد، بسیار پیچیده است؛ مدت‌هاست عده‌ای در منطقه تلاش می‌کنند نشان دهند که اسرائیل، دشمن نیست و تهدید فقط ایران است. برای همین عربستان، امارات متحده عربی و بحرین با رژیم صهیونیستی متحد شده و علیه حزب‌الله همکاری می‌کنند؛ کاری که حزب‌الله انجام داده بیشتر به‌نفع جهان عرب بوده است؛ حزب‌الله الگو و فرهنگ شکست‌پذیری در جهان عرب را به پیروزی تبدیل کرده است؛ از ۱۹۸۲ که رژیم صهیونیستی لبنان را اشغال کرد مقاومت اوج گرفت و توانست پس از ۱۸ سال با دادن دوهزار شهید پیروز شود و ارتش به‌اصطلاح شکست‌ناپذیر اسرائیل را از لبنان بیرون براند. علاوه‌براین، حزب‌الله توانست برای اولین‌بار قدرت بازدارنده‌ای را در برابر اسرائیل به‌وجود آورد که البته برای آمریکا و اسرائیل قابل‌تحمل نبود. بنابراین آنها در ۲۰۰۶ برای برهم‌زدن این معادله و هم برای نابودی حزب‌الله، جنگ جدیدی را طراحی کردند؛ طرحی جهانی با همکاری آمریکا، اسرائیل، انگلیس و برخی رژیم‌های عرب برای اجرای طرح «خاورمیانه جدید» بود زیرا همان زمان «کاندالیزا رایس»، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، در بیروت گفت: «آنچه در خاورمیانه می‌گذرد درد زایمان خاورمیانه جدید است». آنها پیش‌بینی می‌کردند ظرف چند روز حزب‌الله را نابود کرده و سپس مرز سوریه و لبنان را به نیروهای ناتو می‌سپارند و بعد از مرز لبنان با نیروهای ناتو و از عراق با نیروهای آمریکایی به سوریه به‌صورت گازانبری حمله کرده و دولت بشار اسد را نابود می‌کنند. ایران برنامه بعدی بود؛ اما آنچه اتفاق افتاد غیر از چیزی بود که آنها پیش‌بینی کرده بودند. جنگ ۳۳ روز به‌طول انجامید و ارتش اسرائیل شکست خورد و با صدور قطع‌نامه ۱۷۰۱ شورای امنیت آتش‌بس برقرار شد. حزب‌الله با این پیروزی در واقع امنیت استراتژیک منطقه را تأمین کرد. اگر طرح رایس به موفقیت می‌رسید دولت‌های منطقه به دولت‌های مینیاتوری و کوچک زیر سلطه اسرائیل تبدیل می‌شدند. این را هم بگویم که عربستان از مقاومت و انقلاب‌ها در جهان عرب می‌ترسد. از همان سال پیروزی لبنان و سپس شروع انقلاب‌ها در جهان عرب، عربستان همه تلاش خود را برای ضربه‌زدن به مقاومت و خنثی‌کردن انقلاب‌های مردمی به‌کار برد. البته آمریکا هم از دوره باراک اوباما توجه خود را از خاورمیانه به شرق دور معطوف کرده است. در این شرایط، رژیم عربستان بیمناک امنیت خود است و از گسترش مقاومت و نفوذ ایران دچار ترس شده، به‌ویژه که همه طرح‌هایش در عراق، سوریه و یمن به شکست انجامیده است. ازاین‌رو «محمد بن‌سلمان»، ولیعهد جوان عربستان، از یک‌سو به اسرائیل نزدیک می‌شود و از سوی دیگر برای ضربه‌زدن به حزب‌الله در لبنان برنامه‌ریزی می‌کند. احضار حریری و بازداشت او در چارچوب طرحی گسترده بود که این طرح با همکاری اسرائیل و آمریکا ریخته شده است.

◣ هدف از این طرح چه بود؟

آنها تصور می‌کردند وقتی حریری به ریاض بیاید و با پیامی که جانش از طرف حزب‌الله در خطر است، از مقام نخست‌وزیری استعفا می‌دهد، جامعه تسنن لبنان علیه حزب‌الله و شیعه تحریک می‌شود و اوضاع لبنان به هم می‌ریزد. در درجه اول چتر حمایت ملی از روی مقاومت برداشته می‌شود و در وهله دوم شرایط برای واردآوردن یک ضربه نظامی به حزب‌الله فراهم می‌شود. اما زمانی که همه متوجه شدند پیام‌های حریری به وی دیکته شده و او عملا در شرایط بازداشت به سر می‌برد، نه‌فقط اختلافی بین شیعه و سنی پدید نیامد، بلکه با موضع‌گیری هوشمندانه سران لبنان و با سخنرانی خوب آقای سیدحسن نصرالله یک وحدت ملی علیه اقدامات عربستان‌سعودی شکل گرفت. زمانی که حریری به ریاض فراخوانده شد تصور می‌کرد که بن‌سلمان برای روشن‌شدن وضعیت شرکت او به نام «اوژه سعودی» که ورشکسته هست، او را به ریاض دعوت می‌کند. او احتمال می‌داد دولت عربستان می‌خواهد بدهی‌های این شرکت را بپردازد و مانع ورشکستگی آن شود، ولی او در فرودگاه بازداشت و به هتل «ریتزکاریتون» منتقل می‌شود. البته سعودی‌ها خیلی کوشیدند نشان دهند حریری آزاد است، اما این کوشش‌ها آن‌قدر ناشیانه بود که نتیجه عکس می‌داد و بیشتر ثابت می‌کرد که حریری آزادی عمل ندارد و همه مطالب به او دیکته می‌شود.

◣ به‌غیر از مسائل مالی شرکت سعد حریری، چه دلیلی برای دعوت فوری از حریری به ریاض وجود داشت؟

قبل از این هم حریری سفر دیگری به عربستان داشته است؛ این سفر چند روز قبل از استعفایش در آنجا بود. او در این سفر با محمدبن‌سلمان هم دیدار داشت و از این ملاقات راضی بود. در آن سفر مسائل اقتصادی طرح شده و با خوش‌بینی برگشته بود. ما اطلاع داریم که محمدبن‌سلمان آن زمان هم که همه قدرت را در اختیار نداشت رابطه‌اش با حریری خوب نبود. همین مسئله باعث شده بود که جلوی ورشکستگی اوژه را نگیرد. بار دوم وقتی او را به ریاض دعوت می‌کنند اولین گزاره برای او حل مسئله شرکتش بود. او حتی آن‌قدر شتاب‌زده بود که با هواپیمای شخصی خود نرفت و با پرواز معمولی خود را به ریاض رساند. موضوع اصلی حریری و واداشتن‌اش به استعفا به‌غیراز مسئله مالی، همچنان که اشاره شد، ایجاد درگیری بین شیعه و سنی در لبنان برای آماده‌کردن زمینه جنگ و برداشتن چتر حمایت ملی از حزب‌الله بود. ولی به دلیل هم‌زمانی این اتفاق با بازداشت ده‌ها نفر از شاهزادگان و ثروتمندان و بستن حساب‌های آنها و متهم‌کردن آنها به فساد مالی این پیام را به جامعه لبنان هم داشت که شاید این استعفا در راستای هدف دیگری باشد. هدف بن‌سلمان از این اقدامات، از یک‌سو، حذف رقبا و مخالفان داخلی و از سوی دیگر، حل مشکلات اقتصادی عربستان است، زمانی عربستان دولت «رانتیر» بود و مالیات نمی‌گرفت و به رعایا عطیه می‌داد الان از مردم مالیات‌های سنگین می‌گیرد و بدتر از همه بخشی از سهام شرکت عظیم آرامکو را به فروش گذاشته است. عربستان باید ۴۶۰ میلیارد دلار به دونالد ترامپ بدهد که ۱۱۰میلیارد نقد داده است. اکثر شرکت‌ها ورشکسته شده‌اند. بن‌سلمان می‌خواست روی ثروت این افراد چنگ اندازد. هزارو ۲۰۰ حساب مسدود شده و این اموال مصادره شده‌اند. مجموع این مبالغ بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار گزارش شده است.

◣ چرا تحلیل‌های عربستان درست از آب درنیامد؟

مشکل اصلی رژیم عربستان اشتباه در محاسبه است. چون بازداشت حریری هم‌زمان با بازداشت ده‌ها نفر از میلیاردرهای عربستان بود، بازداشت حریری را در این چارچوب ارزیابی کردند؛ مثلا شاهزاده ولید بن‌طلال که مادرش لبنانی است و پدرش سعودی هم احضار و بازداشت شد. برخی ثروت ولید بن‌طلال را تا ۶۳ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. تمام شاهزادگان مهم عربستان که در خاندان سلطنتی چهره‌های مهمی بودند، دستگیر شدند. درعین‌حال لفظ و ادبیات زبان بدن سعد حریری و نکات ریز دیگر در تحلیل‌ها نشان داد که این گفته‌ها فرمایشی و استعفا اجباری است. آنها به‌اشتباه گفتند که با استعفای سعد، برادرش بهاءالدین حریری به‌جایش بنشیند. اینها نمی‌دانستند که در لبنان انتخاب نخست‌وزیر این‌گونه نیست و باید طبق قانون اساسی و انتخابات روال قانونی را طی کند. شخصیت‌های سُنی لبنان مثل «نهاد مشنوق»، وزیر کشور لبنان و از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار جامعه تسنن که به سعد حریری نزدیک بود، به عربستان حمله کرده و گفته است: «ما گله گوسفند نیستیم که ما را بفروشند و چوپانمان عوض شود. اینجا نخست‌وزیر را رئیس‌جمهوری پس از مشورت با فراکسیون‌های پارلمان پیشنهاد می‌کند و او بعد از معرفی برنامه خود از پارلمان رأی اعتماد می‌گیرد». مجموعه این اشتباه‌ها به دلیل بی‌تجربگی بن‌سلمان و عدم آگاهی او از شرایط لبنان سبب شکست این طرح شد. سخنرانی سیدحسن نصرالله هم بسیار آگاهانه بود. او از حریری به‌عنوان «نخست‌وزیر ما» یاد کرد. میشل عون هم در این مدت بسیار هوشیارانه عمل کرده است. این نشان داد نه‌فقط بین شیعه و سنی اختلافی بروز نکرد، بلکه وحدت ملی در لبنان پیش آمد که علیه عربستان و به سود لبنان بود.

◣ انتقادی که این روزها به دستگاه دیپلماسی وارد می‌کنند این است که چرا سفارت ایران در لبنان نتوانسته بود احتمال چنین اتفاقی را پیش‌بینی کند؟

وقتی خود سعد حریری نمی‌تواند پیش‌بینی کند در عربستان چه سرنوشتی در انتظار اوست، چه انتظاری داریم که سفارت ما بتواند چنین پیش‌بینی‌ای را انجام دهد؟! سفر دکتر ولایتی به‌عنوان مشاور رهبری در امور بین‌الملل، جایگاه درستی دارد و خارج از چارچوب وزارت امور خارجه نبوده؛ اصلا همه ملاقات‌های آقای دکتر ولایتی را سفارت ما در بیروت برنامه‌ریزی کرده و سفیر ما، آقای فتحعلی در همه ملاقات‌ها در کنار آقای ولایتی حضور داشته و خلاصه، این سفر با هماهنگی با وزارت خارجه انجام شده است. بین سفر دکتر ولایتی و نقش وزارت خارجه هیچ تعارضی وجود نداشته و اگر در داخل کشور حرف‌هایی زده شده، در قالب رقابت‌های جناح‌های سیاسی بوده است.

نکته

زمانی که حریری به ریاض فراخوانده شد تصور می‌کرد که بن‌سلمان برای روشن‌شدن وضعیت شرکت او به نام «اوژه سعودی» که ورشکسته است، او را به ریاض دعوت می‌کند

◣ عده‌ای معتقدند عربستان با بازداشت حریری می‌خواست مشکلات داخلی خود را به خارج از کشور هدایت کند و این اقدام پیامی هم برای ایران داشت.

این کارها نتیجه شکست عربستان در اهداف خود در منطقه است؛ عربستان در عراق و سوریه شکست خورده است. به گفته سیدحسن نصرالله حتی جنگ ۳۳ روزه حمله به لبنان به خواست عربستان بوده است. در یمن که آن را حیاط خلوت خود می‌دانند، عربستان عملا دست به جنایت جنگی زده و درنهایت شکست خورده است. عربستان برای خاموش‌کردن انقلاب یمن، آنجا را بمباران کرد، آنها فکر می‌کردند یمن در یک ماه تسلیم می‌شود، ولی هنوز بعد از سه سال یمن همچنان مقاومت می‌کند. این شکست در همه جبهه‌ها رخ داده است. جوانی مانند محمدبن‌سلمان دست به یک‌رشته اقدامات متهورانه زد، این اقدامات بدون محاسبه عواقب آن انجام شده است. او فکر می‌کند، با جنگ شیعه و سنی لبنان شکست می‌خورد، اما متوجه نیست که جنگ ۲۰۰۶ جنگ جهانی علیه حزب‌الله بود و به شکست انجامید، اکنون دیگر به گفته حزب‌الله هیچ ارتشی در جهان وجود ندارد که بتواند حزب‌الله را از بین ببرد. بن‌سلمان در استراتژی و نظامی محاسبه عقلایی نداشته و این نتیجه شکست عربستان در سراسر منطقه است. اینها فکر می‌کنند دلیل شکستشان نفوذ و حضور ایران در منطقه است، برای همین می‌خواهند ایران را از صحنه بیرون کنند. آنها نمی‌توانند با ایران به‌طور مستقیم وارد جنگ شوند، می‌خواهند حزب‌الله را به‌عنوان بازوی ایران هدف بگیرند. عربستان سه سال است که یمن را بمباران می‌کند، بیش از ۱۰ هزار نفر در این کشور کشته شده‌اند. مردمی قحطی‌زده و فقیر را سه سال است بمباران می‌کنند و آنها یک موشک به عربستان پرتاب کرده‌اند، البته می‌گویند این موشک را ایران به یمنی‌ها داده است؛ درحالی‌که یمن از هوا، زمین و دریا محاصره شده. ما یک کشتی مواد غذایی به بندر حدیده فرستاده بودیم که عربستان مانع شد و آن را به جیبوتی فرستاد. چگونه امکان انتقال موشک شش متری به یمن وجود دارد؛ کما اینکه گردان عزالدین قسام در غزه موشک می‌سازد. شاید ما به آنها کمک کرده‌ایم، تکنولوژی داده‌ایم؛ چه ایرادی دارد؟! فرض محال اینکه ما موشک ارسال کرده‌ایم؛ مگر همه کشورها اسلحه نمی‌فروشند؟ ایران هم موشک بفروشد؛ این چه ایرادی دارد. اینها همه به‌دلیل شکستی است که عربستان می‌خواهد ایران را متهم کند. راهی برای ارسال موشک به یمن وجود ندارد و اینها به دست خود یمنی‌ها ساخته شده است.

◣ با عوض‌کردن زمین بازی توسط عربستان، آیا ممکن است جنگی در انتظار منطقه باشد؟

عربستان امکان چنین جنگی را در لبنان و خلیج فارس ندارد. شاید باز هم دچار اشتباه در محاسبات شود؛ سال ۲۰۰۶ هم فکر می‌کردند در چهار تا پنج روز کار حزب‌الله تمام است. خانم تسیبی لیونی، وزیر خارجه وقت اسرائیل، همان زمان گفت ما فکر نمی‌کردیم جنگ بیش از سه، چهار روز طول بکشد. همان زمان عربستان نه فقط از لبنان حمایت نکرد، بلکه مقاومت را به ماجراجویی متهم کرد. درباره سوریه نیز چنین کرد. اینها نتوانستند در محاسبات خود همه متغیرها را در طراحی وارد کنند و حالا دولت سوریه هفت سال است مقاومت می‌کند. ممکن است روی نابخردی یا اشتباه محاسباتی عربستان در منطقه آتش‌افروزی کند، اما عربستان نه قادر است در منطقه علیه ایران بجنگد و نه قادر است حزب‌الله را نابود کند. البته اسرائیل به‌دنبال جنگ ایران و عربستان است. آنها به‌دنبال تجزیه عربستان و چنگ‌انداختن روی منابع نفتی هستند. جنگ در منطقه، شبیه بهمنی خواهد بود که کل منطقه را درگیر می‌کند و چنین جنگی ممکن نیست.

◣ اصلاحات داخلی در عربستان به‌عنوان اسلام اعتدالی یا حقوق زنان در حال انجام است؛ آینده این اصلاحات از بالا به پایین به چه سمت‌وسویی خواهد رفت؟ آیا این با بافت و ساختار جامعه عربستان هم‌خوانی دارد؟

در جامعه سنتی و عشیره‌ای مثل عربستان که سال‌هاست براساس وهابیت اداره شده است، دو ستون هویت این کشور را تشکیل می‌داده؛ یکی فقه وهابی و مفتی‌های خاندان آل شیخ و دیگری شمشیر آل‌سعود. حالا می‌خواهند وهابیت را حذف و مفتی‌های وهابی را خانه‌نشین کنند؛ برای نمونه شخصیتی مثل شیخ سلمان عوده به‌خاطر یک توییت در بازداشت است. این اصلاحات نیست؛ این اصلاحات فرمایشی است. اصلاحات از بالا به‌طور حتم اگر دقیق عمل نشود، در جامعه سنتی- قبیله‌ای مشکلات زیادی در پی خواهد داشت. جوانان و تحصیل‌کرده‌ها خواهان چنین اصلاحی هستند، ولی بخش سنتی جامعه این اصلاحات را تحمل نمی‌کند. بخش سنتی جامعه با بخش جوانان در تعارض قرار می‌گیرد و در نتیجه این تعارض و اصلاحات جهشی به‌طور حتم مشکلات اجتماعی در پی خواهد داشت. این اصلاحات نشان و نتیجه دیکتاتوری است. اصلاح در جامعه عربستان برای بهبود وضعیت زنان باید از پایین به بالای جامعه از سوی نهادهای مدنی انجام شود. تصمیم‌های آنی، اثر مخربی دارد. من مخالف اصلاحات نیستم و عربستان به اصلاح نیاز دارد، اما روش اصلاح متفاوت است؛ البته تصور نمی‌کنم ارتباطی بین این اصلاحات و فرافکنی به سمت ایران وجود داشته باشد. تحرک در داخل و خارج در یک چارچوب است، ولی حمله به ایران برای پوشاندن مشکلات داخلی نیست، بلکه اصلاحات نتیجه قولی است که عربستان به ترامپ داده است. آنها می‌کوشند با طرح بلندپروازانه ۲۰۳۰ چهره عربستان را بهبود ببخشند.

◣ این مسائل چه تأثیری در موقعیت عربستان در جامعه جهانی خواهد داشت؟

رفتارها و اقدامات اخیر محمدبن‌سلمان چه در بازداشت حریری و چه بازداشت عده زیادی از شاهزادگان و بازرگانان، ضربه شدیدی به اعتبار عربستان در سطح منطقه‌ای و نیز در سطح بین‌المللی زده و اعتماد به این کشور را به‌شدت خدشه‌دار کرده است. وقتی در کشوری قانون حاکم نباشد و یک جوان بی‌تجربه بخواهد با تصمیمات شخصی و آنی کشور را اداره کند، هیچ شخصیت سیاسی یا اقتصادی نمی‌تواند به‌راحتی با چنین رژیمی وارد تعامل شود. به نظر می‌رسد این روند اصلاح‌شدنی نباشد. به‌زودی ملک سلمان کنار خواهد رفت و پسرش بر تخت سلطنت خواهد نشست؛ اما رویدادهای زیادی چه در داخل و چه در خارج در انتظار عربستان خواهد بود.

◣ عربستان بانی نشست فوری اتحادیه عرب بود و می‌خواست کشورهای عضو اتحادیه با ریاض علیه ایران همراهی کنند.

اتحادیه عرب مدت‌هاست مرده است و حضور مؤثری در صحنه ندارد. بعد از مشکلات مصر و سوریه به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در کنار عربستان و الجزایر، امروز شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس در اتحادیه عرب نقش بازی می‌کنند. قطر مجوز دخالت ناتو در لیبی را از اتحادیه عرب گرفت. الان قطر هم در این چارچوب نیست. امارات و عربستان نمی‌توانند خواست خود را به این کشورها تحمیل کند. کشورهای بزرگ عضو اتحادیه با عربستان و سیاست‌های آن همراهی نمی‌کنند. مواضع آنها در این چند روز نشان می‌دهد همسو با عربستان نیستند؛ ولی در عمل کشورهای کوچکی مثل جیبوتی و جزایر قمر به دلیل دریافت کمک از عربستان، با آنها همراهی خواهند کرد. از طرفی، تصمیم در اتحادیه عرب با اجماع گرفته می‌شود نه با اکثریت؛ عربستان هم مثل سابق نمی‌تواند میلیاردها پول بدهد و رأی بخرد. در نتیجه، موضوع اخراج لبنان محکوم به شکست است. وزیر خارجه مصر برای قانع‌کردن اینها به سفر دوره‌ای رفته است.

ادامه در صفحه ۷

نگاه

فرصت‌ها و تهدیدهای روابط ایران و اروپا

فریدون مجلسی
دیپلمات ارشد

● اقتصاد ایران در سال‌های بعد از انقلاب در رابطه با اروپا دچار آسیب‌های دوجانبه بوده است؛ یکی آسیب‌های ناشی از مسائل و موانعی است که از داخل کشور ایجاد محدودیت کرده‌اند و دیگری مسائل و موانعی که اروپا در راه روابط خود با ایران پدید آورده است. ما هنوز فراموش نکرده‌ایم دهه‌هایی را که اروپا و در رأس آن آلمان، شریک نخست بازرگانی ایران بود. درواقع توسعه صنعتی غرب در قرن گذشته چنان بود که برای کالاهای مصرفی و صنعتی آن کشورها در سراسر جهان، بازار صادراتی انحصاری پدید آورده بود. اتومبیل به‌عنوان پرطرفدارترین کالای قرن بیستم، از آغاز و تا بیش از نیم‌قرن، کالایی آمریکایی بود. در نیمه دوم قرن بیستم، رقبای آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی نیز وارد بازار رقابت شدند. در ایران اغلب کالاهای مصرفی وارداتی یا ساخت آلمان بود یا ساخت یکی از کشورهای پیرامونی آن. این بازار صادراتی نسبتا انحصاری، موجب روی‌آوردن ثروتی بی‌سابقه به سوی اروپا و غرب شد و بر اختلاف سطح توسعه آنها با دیگران افزود. پس از انقلاب، روابط ایران و اروپا با بحران‌هایی روبه‌رو شد که باعث گسترش تحریم ایران و تنزل شدید رابطه بازرگانی شد و موجب شد به تجارت پنیر و کره و گاه وارداتی باواسطه از طریق ترکیه و امارات کاهش یابد.

افول مبادلات بازرگانی ایران و اروپا که با تحریم واردات نفت ایران و تحریم مبادلات بانکی شدت یافت، هم‌زمان بود با سربرآوردن رقبای جدید آسیایی که به نام ببرهای آسیا معروف شدند. توسعه اقتصادی ژاپن سریع بود و به‌زودی خود را به پای صنعتی‌ترین کشورهای اروپایی رساند و از طرف‌های مهم بازرگانی ایران شد؛ اما ژاپن نیز به ملاحظه روابط بسیار گسترده‌تر خود با آمریکا، به آن تحریم‌ها ملحق شد و بازار ایران را نخست روی کالاهای کره‌جنوبی و تایوان و مالزی و سپس به‌طور روزافزون روی کالاهای چینی گشود؛ به‌طوری‌که اکنون چین موقعیتی نسبتا انحصاری در بازار ایران دارد که به دلیل تفاوت قیمت به‌ویژه از سوی اروپاییان، امکان رقابت با آن نیست. از سوی دیگر، فروپاشی شوروی که پس از انقلاب و در زمانی رخ داد که روابط اقتصادی ایران و غرب افول کرده بود، همراه با احساس خطر اروپاییان از رقابت‌های آسیایی، موجب شد اروپاییان ادامه بهره‌مندی از بازار صادراتی انحصاری خود را بیشتر در درون اروپا بیابند. به این دلیل با فروپاشی شوروی، بی‌درنگ در جایگاه میراث‌خوار شوروی به جذب مستعمرات و مستملکات اروپایی آن امپراتوری ورشکسته پرداختند. شوروی به دلیل بلندپروازی‌های ایدئولوژیک در طول حیات خود، درحالی‌که مردمانش در درون جز فقر و عقب‌ماندگی اجتماعی در کنار توسعه علمی و نظامی بهره‌ای نبرده بودند، برای خود این رسالت را قائل بود که خوشبختی و رفاه فرضی شوروی را در جهان تعمیم دهد و در این راه، از هیچ‌گونه ماجراجویی بین‌المللی پرهزینه‌ای فروگذار نمی‌کرد و همین امر ورشکستگی و فروپاشی آن کشور را رقم زد.

کشورهای اروپایی رهاشده از انقیاد شوروی، در عین فقر و فرودستی یکی پس از دیگری به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته شدند؛ درحالی‌که ترکیه با توسعه اقتصادی و صنعتی پیشرفته‌تر، با اینکه ۳۰ سال پیش از آنها در صف انتظار بود، به دلیل مشکلات اجتماعی و امتزاج فرهنگی جامعه اسلامی آن و نگرانی از توسعه مهاجرت ترک‌ها به اروپا، در پشت در باقی ماند. به‌این‌ترتیب، اروپای غربی با ازدست‌رفتن بازار انحصاری صادراتی خود در آسیا، به بازار انحصاری جایگزینی در همسایگی خود دست یافت و به همین دلیل درصدد افزودن کشور بزرگ‌تر و مهم اوکراین به دامنه نفوذ خود برآمد که شبه‌جزیره کریمه‌اش دریای سیاه را به دریاچه‌ای اروپایی تبدیل می‌کرد. این کار برای روسیه که اکنون به انسجام و اقتدار جدیدی دست یافته بود، گران آمد و تلاش کرد حساب سرزمین‌های روسی کشور اوکراین ازجمله کریمه را از اوکراین جدا کند.

با توسعه بازار تقریبا داخلی اروپا رویارویی آن کشورها با رقابت چین و ببرهای آسیایی در بازارهای سنتی پیشین ازجمله ایران، اهمیت سابق خود را تا حدودی از دست داد؛ اما شاهد بوده‌ایم که توسعه بازار داخلی تداوم عادت اروپا را به سود و رفاه بیشتر برآورده نمی‌کند. آلمان و فرانسه با توجه به توانمندی‌های صنعتی و مالی خود، می‌توانند تا مدتی بهره‌مند شوند؛ اما صدور غنای کشورهای غرب و شمال اروپا به کشورهای فقیر تازه‌وارد، همراه با صدور فقر اعضای جدید و تسهیل مهاجرت نیروی کار ارزان‌تر به اروپای غربی همراه با مسائل و جرائم اجتماعی، واکنش‌های ملی‌گرایانه و تردیدهایی نسبت به بقا در اتحادیه را در برخی از اعضا پدید آورده است که بررسی آثار آن به آینده دورتری مربوط می‌شود. اما درحال‌حاضر که ایران با توفیق در مذاکرات و امضای توافق برجام، نوید اعتدال سیاسی و تعامل بین‌المللی بیشتری را می‌دهد، به‌خصوص در زمانی که فتنه افراط‌گرایی و تروریسم داعشی رو به خاموشی است و ولیعهد عربستان که متنفذین کشورش در گذشته بزرگ‌ترین حامی مالی آنان بوده‌اند،

ادامه در صفحه ۷